

حقیقت

شماره ۴۱

۱۳۶۰

آیا هیچگاه نیروی کوچک میتواند وظیفه‌ای بزرگ را

برایش بگیرد

این حقیقت بدیهی است و در هم گزیده شوند، تنه‌ها که یک دنیا نظم از باروت و عداوت است که با قوه عظیم بودا دفا بل احتراق ما بر سستی در آن واحد می‌توان حریق حتمل کننده‌ای که سوسن عظیمی را ایجاد کرد و تیسار برتاب شود چه بزرگ و بد کوچک و چه حتی با امانت همین یک کلبه می‌تواند به انفجار و حریق کوبیده. حال آنکه با سوسه کوبیده شود، یک جنگل خشک و کرم زده‌ای را چه با افکنندن غرم عظیمی از آتش در آن چه با زدن مثل شعله‌وری بسسه گونه‌ای از آن وجه حتی با چیله یا جنگل آلوده تا شمس کبوی می‌توان آتش زد. سه عداوت دیگر از باروت هر چند بزرگ و حریق از درخت و گیا در هر چقدر آید و عظیم سر آید اگر طوبت نداشتند و آتشی خشک باشند با امانت شیبی آتش زائی کوچک و تراشیده شده و سربایت نوبتی شعله‌ان که در حتمی دم می‌توانند آتش گیرند در صفحه ۲

رویشیم خمیشتی بی لیاقت است

آیت اله خمیشتی در دیداری که نخست وزیر جدید مهندس کئی به همراه کا سینه جدیدش با وی داشتند، سه واقع کنسولنی مملکت، موج ترورهای شخصیت های رژیم جمهوری اسلامی و کفار مخالفان دربار را، زلزل رژیم جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت: "ایران با ثبات ترین کشورهاست و اما وقتی عقاب است می‌کنیم مملکت خودمان را بر همه سما لکی که در عالم هست با ثبات تر از مملکت ما کدام مملکت است". البته منظور آیت اله خمیشتی از "ایران" و "کشور" و "مملکت" رژیم ما کم برای این کشور یعنی رژیم جمهوری اسلامی است چرا که ثبات یا عدم ثبات یک کشور و یک مملکت، بخودی خود زیاد مهمنا و مفهوم دقیقی در بر ندارد. از کلیه سخنرانان اثر همین منظور درک می‌گردد.

آیت اله خمیشتی برای اشیاء عدنان خود، دلایل چند سببی جنگ انداخت. اینکه ترور شخصیت های سیاسی یک رژیم باقیل بر عدم ثبات آن رژیم نیست چنانکه پیا رفتن از روسای جمهور با لات متعده آمریکا نیز ترور شدند و رژیم آن کشور تا کنان بخورد و "بنا نم‌شود" که تکان بخورد. اینکه به محض آنکه نخست وزیر بر سر نشاند، نخست وزیر دیگری برگزیده شد و بعضی آنکه در استان انقلاب ترور شد، در استان انقلاب دیگری بر تاسی نشیب و معدن آنکه در رئیس جمهور ترور شدند در هدایت قاتلونی رئیس جمهور دیگری بر خاش خواهد نشست و ... اینکه ترور و انفجار در همه جای دنیا هست و کجا است که ترور و انفجار نباشد و از این لحاظ ایران ویژگی مخصوص بخوبی ندارد و از اینگونه "دلایل" و "براهین". ولی تمام این ادعاها و تمام این "دلایل" با به شان مست است و بر آب بنا شده است. آیت اله خمیشتی می‌گوید چها رئیس جمهور آمریکا را ترور کردند و آب از آب تکان بخورد، البته خندان هم می‌گویند که "بنا نبود" تکانی بخورد، فرق ترورهای روسی جمهور آمریکا با ترورهای که امروز در ایران صورت می‌گیرد بسیار زیاد است. در آمریکا ترورهای روسی جمهور، از این جهت است که سبب رزه‌ای از جانب طبقات محکوم بلکه اما با صورت تسویه حسابهای درونی هر شب جا که صورت پذیرفته است. در صفحه ۲

دانشمندان روشنگرانه در مورد نیروی کوچک

آیت اله طالقانی

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، برای خالی نبودن عریضه، و برای ردگم کردن و سوءاستفاده از حسابات مردم و علاقهای که آیت اله طالقانی تفتند داشتند در روز ۱۹ شهریور روز درگذشت آیت اله طالقانی مراسم در بیست و چهارم ویرمسر عزراشان پرا هاشا ختنند، حرمشای قشنگ و بی دردسری زده شد و دروغ و ریا آیت اله طالقانی تحلیلی به عمل آمد. چون دیگر آیت اله طالقانی در این جهان نیست که حرفی بزند، او و سبب است که در زیر خوارها خاک آرمیده است. حرفهای مهندس و ریاکاران که کمی را غریب ندانند و ضمیمه‌ده ولی در میسسان سخنان پرده‌مطرقی جهت اسلامها دیکخواه و وزیرانش است. اسلامی که خلیفه‌ها، سفرا و دادای مهندسی را در دنیا وردا، در صفحه ۲

دانشمندان پر روح کار و مبارزه طبقاتی در شمال

صفحات عدنانی ایران دم اکنون در لحظات حساسی بسر می‌برد. ترور و استبداد حکومت خودکامه خمینی قسمت قابل توجهی از قربانی های خود را بصورت اعدا جوانان انقلابی از صفحات جستجو می‌نماید. جوانان انقلابی این مناطق پیش از پیش به کوه و جنگل رده و با ترور مقامات حکومتی براد مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم خمینی گرایش می یابند. جنبش دهقانی در صفحات شمال، ما زندران و کیسلان، سی آنکه محل قطعی زمین به نفع خویش نماند آید، هم اکنون در کنگش مقامات بر علیه حکومت سوز و آفتاب خود را در کوشش بر سر در صفحه ۲

بقیه از صفحه اول
آیا هیئت...

بک نقطه اغرو شده شده است بیه
نقطه ای دیگر یعنی با سیسبر
ندریجی ولی تنها عدی شعله ای
کوچک بدجریجی بزرگ روی سرو
سبا شیم .
در شرایط مسا عدوقا بسل
انفجار سیاسی دریک جامعه هم
وضع همینطور است و بهیچ رو
کوچکی و بزرگی یک نیسروی
انقلابی نمی توانند در تصمیم و
تزم آن نیروی انقلابی برای
توانند بحریق انقلاب در آن شرا
بط نقشی تعیین کننده ایفا
کند . این بدین معناست که
هنگامیکه شرایط عینی و ذهنی
جامعه برای تمام آماده است ،
این وظیفه است در برابر هر همه
شوی مترقی و پیشرو در آن جا
بهره منافع را زکوچکی و بزرگی
و ثروت و رفعت آنها ؛ ولی بهیچ
بد بزرگی و کوچکی و ثروت و ضعف
شخص و سروای قیام مترقیست
بزرگی که بزرگ این توانست
و وظیفه ما شای آن را رسانده
است ، شکل و طریق ممکن برای
کسب و وسواسی شدن قیاسم
تغییر میکنند و سیاست هسهای
مشق و نی اتخا ذمه گردد ، بیه
عبارت دیگر بر خلاف پیساره ای
شوروات چرمی در جنبش ما سنا
یک نیروی گو . یک تصمیم و
بشرط اتخا سناست ، و نا کتیک
و تا سب در خدمت یک شوا بط
و تا بیل انفجار سیاسی سب جوان
نا درین یک قیام همگامی و ملی
را پیدا در آورد ، صفتها بصورت
بیه شعله ای که در نیسبر
تکامل پیدا میکند .
با مصالحه شده سنا رضای
مردا و ملی ایران و زمینسان
انقلاب مترقیه شیراز همین نوع

بود و کاملا ثابت کرد که در
تحت یک شرایط مسا عدوقا بسل
انفجار سیاسی (کهیرا نیسبر
کودتای قاجار بر جود آمده بود)
حتی شعله افروزی نیسروی
قلیل مضمون کار دانیسی در
گوشه ای ارکشور (آنهم گوشه ای
از شهری) هم میتواند پیس از
چندی بدجریجی تنظیم تکامل
پیدا کند و حکومت کودتا را در
هم فرو گوید .
این مطالب را از ایس
لحاظ در اینجا طرح کردیم که
هر زمان ما یعنی کمونیست
های کشور ما ، که طبعا هنر روز
نیروی کوچکی را در جنبش
سیاسی تشکیل میدهند ، در
رودروشی با شرایط انفجار
آمیز و جای نیازی طلب کمونی
کشور که وظیفه قیام را در دست
کار قرار میدهد ، خود را نیازمند
و تصور کنند که کوچکی و قلنس
فعلی ما میتواند با رجنس
وظیفه ای را از دوش ما بردارد ،
با آنکه گویا بیعت کوچکی و
ضعف نسبی ما اینجا مضمون
وظیفه ای نا ممکن است ،
برعکس بیه هم ممکن و در حد
توانا شای همه ماست .
نقطه مشخص وظیفه
تصمیم و تفکری سلیم و خسلای
لازمست .
پیدا نیاید و اتقا ، که
شورجریان زد و خورده سهای
تا ریمی و تکامل مایه سنا رز
بلیقات و بهیچ لجاتی پیش
دیبا رذکة بیزریت ، سخت
عمل ، تصمیم و مجاز در تعیین
سرنوشت سیر و ما شای که سنا
انقلابی و سرتیخواه ها نه یک
کشور را سنا بیدار میکنند ، در
تعیین شکتب یا موقعتیت فروری
یا مرحله ای جنبش در آن کشور ،
نقش قطعی ایفاء میکند . به
اارت دیگر بر جود ، سوسرورد
و سنا و عوام مل ذهنی سنا
سرتیخواه سنا زمانه سنا و
و سنا این امر را سنا سنا
تعیین کنند ، سسرورد ، سنا حکم
در باره سنا سنا سنا سنا و
بزرگ ، از سنا سنا سنا سنا
سنا سنا است ، سنا سنا سنا

شی تا پیشود که صحنی عظیم و
شکلاتهای وسیع و پرتغوذی
بدلیل تذبذب و مثل کساری و
عدم اتما دینفس ویا برتنس
شور و بیجا و در نتیجه سسل
انکاری رهبران شان ناگهان
از هم میپاشند و به تکه تکه سهای
خرد و پراکنده ای تبدیل
میشوند ؛ و حال آنکه برعکس
گروه های کوچک و سنیای سبه
دلایل درک صحیح و بموقوع ،
وظیفه شناسی و غیر سنا سنا
ناگهان بدنیروشی منجمد و
عظیم و عا مئی تملی در تکامل
آشی مبارزه تبدیل میگرددند ،
بعلاوه کمونیستها سبه
عنوان و حدان پیدا را سسقه
پیشرو با بددریپتا پیش بندش
آزادی در کشور ما حرکت کنند و
نه در دنیا لجه آن ویسنا در
انتظار حرکت دیگران ، و لسی
پیشرو بودن در عمل است که
میتواند دنیا پیدا بت شود . به
همین دلیل یک کمونیست قبل
از آنکه در ساره ؛ توانا شای و
آما دگی ما دی خوب سنا
بیا بندش با بددریاره و وظیفه و
نقش خویش اندیشه کنند و
پیشتر از خویش را مدلسل
سازد ، برای مثال از کمونیست
نیستهای آلبانی در سنا سنا
اشغال فانیستی کشور سنا
الیا م بگیرد که سنا به سنا
خردشان سا که ترین در سنا
آما دگی سنا سنا سنا در و
ضعف های متعدد و حتی فقدان
بایدگی فایله توجه پرچم
جنگ انقلابی خلق آلبانی را
یکتند برافرا خنده ، سسرورد
بیشا بیش همه ، سنا سنا
اشا لگران سنا سنا و رجنیان
آن یک به یک بر همه کمیودها
و سنا های خویش نیز غلبه
کردند .
ما در سنا های سنا سنا
شور ، سنا سنا سنا سنا
کشور و وظیفه سنا سنا و غیره
صراحتی که سنا سنا سنا
بیشر با ای سنا سنا سنا
فوار میند و سنا سنا سنا
سنا سنا سنا .
امروزه سنا سنا سنا

انقلابی و سنا سنا سنا
به خبا سنا ران رذلی سنا
اینگونه سنا سنا سنا
ایران کشیده و کشور را به این
وضع شکست با روظلما سنا
کننا سنا سنا علام جنگ کنند ، و
منظور ما از علام جنگ هم خود
سنا سنا ، دو سال و چند ماه
کشا کش سنا های سسرورد و
نیروهای مترقی جامعه سنا
جریان ارتجاعی ، سنا سنا و
خیانت پشهای که در سنا سنا
انقلاب سنا ۵۷ به تجدید
بساط سنا سنا سنا
جدید و سنا سنا سنا
تدرتها به سنا سنا سنا
مذهبی مشغول شد ، سنا سنا
به لحظه تعیین تکلیف رسید ،
با کودتای سنا سنا سنا
خا سنا سنا سنا و سنا
آخوند سنا سنا سنا
او بدوره سنا سنا سنا
و سنا سنا سنا سنا
متخاصم سنا سنا
قدرت گرفته مذهبی سنا سنا
داده شد ، از این پس سسرورد
ایران سنا با قهر و خونریزی
میتوانند در وصول به هدفهای
انقلابی را که امروز لگه سال
مشق علای متقلب و خا سنا
شده است سنا رکنند و کشور خود
را از این وضع بر آشوب سنا
و سنا سنا سنا سنا
عبارت سنا سنا سنا
نظا را سنا سنا سنا
سنا سنا سنا سنا
سنا سنا سنا سنا
ملی کشور ما در لحظه حاضر است ،
این وظیفه در و سنا سنا
دوش بخش پیشتر از جنبش آزادی
ایران یعنی کمونیست های
ایران میباید .
والسلام !

بینه از مفدا ول

رژیم خمینی

جناح های مختلف طبعه حاکمه آمریکا که همگی به قیام و ثبات رژیم سرمایه داری حاکم شیدا علاقمندند، برای احراز موقعیت برتر برای تسویه حساب و بطور عام در مبارزه قدرت، هراز چند گاه و گاه با یکدیگر میشتند، ترور کنند و از آن مهم تر ماجرای و ترکیت از نمونه های بارز این مبارزه نهان و آشکار قدرت بین جناح های مختلف سرمایه مالی حاکم در آمریکا است. اینگونه ترورها را نمیتوان با ترور جاشی، با هنر، قدوسی و... که معنای مبارزه ای از جانب نیروهای طبقاتی دیگر مسورت میگردد مقایسه نمود. این از نکته اول.

اما بابت اله خمینی بسیار آگاهانه خود را به نفع میزنند، نکته مهم اینست که این ترورها نه در هر شرایطی، نه در بستک اوضاع آرام و مومک متحرک میزانی، نه در دوران سکون و آرامش اجتماعی صورت میپذیرد. این ترورها در شرایطی وقوع مییابد که بتران انقلابی بزرگی سراسر جامعه را در بر گرفته است و این ترورها فقط بخش کوچکی از نظام طبقاتی موجود در جامعه محسوب میگردد، دو سال و اندی پیش، آیت اله مطهری را هم ترور کردند ولی هیچ کس نگفت که رژیم جمهوری اسلامی در آن مقطع زمانی رژیمی بی ثبات گردیده است، ولی امروز این حرف زده میشود، نه بخاطر اینکه راجای و با هنر کشیده شده، بلکه بخاطر اینکه جریان خمینی به جریان اقلیت محدود جا معبدل گردیده است. بدلیل آنکه اکثریت عظیمی از جامعه رژیم خمینی بطور کامل سریندا اند و هر روز گروه های بیشتری از مردم فعالان و اردی بر صدها سازه برای برانداختن این رژیم میشوند، نکته اعلسی در اینجا نهفته است، بی ثباتی و یا ثبات یک رژیم از این مشخصه ظهور یافته میشود، و سازه از اینکه کمی ترور کرده است یا نشده است، اگر چه همین ترورهای بی دربی نیز نشان دهنده بی عزتگی و بی دروییگری این رژیم است.

آیت اله خمینی می گوید که ای دنیا رژیم بی ثبات تر از رژیم جمهوری اسلامی دیده اید که امروز نخست وزیر را میکشند، نردان نخست وزیر جدید معرفی میشود و آب از آب تکان نمی خورد، آیا آیت اله خمینی سرخوشی با ملت دارند؟ آیا اینهمه دلیل ثبات یک رژیم می باشد؟ آیا یک اشتباه بسیار دیوانه لارا نه دلیل ثبات یک رژیم است؟ آموزگار و متفاندا دور نیست و فردایش ثریب امانی آمد، شریب امانی شکست خورد و فورا رگردد، فردایش از هاری نخست وزیر شد، از هاری هم کاری نتوانست بکند، فردایش به عیان رخت و بر بر شد، ولی آیا آخو قس است - در پانزدهم ۱۳۵۷ - شاه سید و است ادعا کردند رژیمنا هسان ثبات است چون یک شبه نخست وزیرها تعیین شدند؟ بین حرفهای و ادعا سبکانه دیگر خیلی از روی نا پاری، و واقعا سرمایه داری دلداری خرد و اطرافمان خود از طرف آیت اله خمینی اظهار سار شده اند و گفته هیچ آدم ما قلبی این "استدلالات" غلطی را برای اثبات ادعای ثبات رژیم خود میمان نمی آورد.

آقای خمینی در دیداری که به هیئت وزاری جدید دارند، یک ساعت تمام در باره اینگونه رژیم جمهوری اسلامی "با ثبات" است سخن میگویند، آیا انتخاب این موضوع، خود دلیل بر بی ثباتی

نیست؟ آیا رهبر یک رژیم با ثبات اعلام خود زحمت میدهد که درباره موفقیت مستحکم!! خود یک ساعت تمام حرف بزند و با "دلایسل" بی بنیان و بیگانه "قدرت نمایی" بکنند؟ این چطور "ثبات نمایی" است که آقای خمینی در همین گفتار خود در باره ای که بینه هشتاد و میدهد که "هریک وزارتخانه خود را بسیار تحت نظر بگیرد و اشخاصی را که میثنا سند و اشخاصی را که سابقه ثبات را دارند بسند بیا و برند و اشخاصی را شناسی را اشخاصی که احتمالا یک چیزی هست، امروز احتمالا منجز است... بیرون دعایند، این چگونه رژیم "با ثباتی" است که حتی از اطرافیان خودش هم می ترسد؟ این چگونه رژیم "با ثباتی" است که فقط و فقط به عده ای دستچین شده "آشنا" بنده است؟ پس کجاست آن "کابینه ۳۶ میلیونی"؟ پس کجاست آن "سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی"؟ آیا همه

اینها بجز حرف و فقط حرف چیز دیگری است؟ آقای خمینی ادعا دارند که رژیم "با ثباتی" در ایران موجود است و تمام حرفها در مورد اینکه این رژیم عمرش بسر آمده "تلیفات" است و بی ثباتی و بی ثباتی رژیم "با ثباتی" ندیده بودیم که در عرض کمتر از ۳ ماه ۱۰۰۰ نفر را به جوخه اغسندام بسپرد، در تاریخ فقط با رژیمهای کودتاگری که با زور و سلطه صرف بقدرت رسیده اند، بدینکار زدن تا موقعیت متزلزل خود را محکم نمائند (مانند رژیم کودتای ۲۸ مرداد در ایران، رژیمم کودتای پینوشه در شیلی، رژیم کودتای سومار و تودرا اندونزی ...). و یا رژیمهایی که از طرف تحت حمله هستند و در حالت سقوط، ولی رژیم "با ثباتی" که ادعای پشتیبانی ۳۶ میلیونی هم دارند، این چنین متمرکز و بی هدف (و فقط برای ارباب و ایجا دوخت) دست به کشتار ملت و مخالفین خود زده است.

رژیم خمینی بی ثبات است. نه فقط بخاطر اینکه رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان، انستاب، عده ای از نمایندگان مجلس، برخی از اعضاء صحنه... در عرض چند ماه گذشته ترور شده اند، بلکه در اساس بخاطر آنکه اکثریت عظیمی از جامعه از این رژیم روی برتا شده اند و بدین معنی افسان پیوسته اند و هر روزه عده ای بیشتر فعالان در راه سرنگونی آن مجاهدت می کنند. بی این دلیل آقای خمینی خیلی کم به این نکته اشاره کردند، اگر چه در بیست و نه تیلیفاتی شان تعداد پشتیبانان توده ای هیچگاه از ۳۶ میلیون پائین نرسد نمی آید!!

در هفتاد و یکمین شماره کار...

بینه از مفدا ول

و هم به بی ثبات نردن انتخاباتی - سیاسی رژیم بی ثبات و خردگان مد ولایت فقیه -
و علامت جنبش انقلابی و دربار آن، بینه کار و گرا بسران پشتیبانی از خواست ها و مبارزات توده ای برنج کار در حد حساب نمایی را ارتقا آن سرنگونی رژیم خودگانا مع کتوسی و بسسه بیروزی رساندن انزیر، بوم غله، میر با بی مع شود ان بسیم و سر راه داری وابسته است.

اداره



بقیه از صفحه اول
دهقانان
برنج کار...

دلانه و تحمیلی برنج به سر میبرد. مسائل فوق به همراه
و مخالفت عمومی طبقات کشاورزان و روستاییان را در این
وجود آورده است. بحرانی که با مفاصل و بصورت مختلف
برون در سایر مناطق ایران نیز پیش میخورد.
مسئله بر سر قیمت تحمیلی برنج بدین صورت آغاز شد که در
دو ماهه سال، دولت خرید برنج از دهقانان را انحصاری
اعلام نموده و قیمت نازل و غیر عادلانه را پیشنهاد نمود.
این حرکتی، بجای آنکه در خدمت تقویت اقتصاد دهقانان
برنج کار باشد، آنان را در موقعیت پست تری نسبت به آنچه که
عماکنون شرایط نامساوی از لحاظ اقتصادی برای دهقانان
میسازد، قرار میداد. این حرکت بلافاصله با مقاومت و نافرمانی
عمومی مواجه شده دهقانان برنج کاران زدن و گیلان قرار
گرفت. حکومت مجبور به عقب نشینی شد و قیمت پیشنهادی، اگر
برنج گیلان را ملاک قرار دهیم، از ۱۲۵ ریال به ۱۲۵ و سپس به
۱۵۵ و بالاخره به ۱۷۰ ریال تغییر یافت. این تغییر در قیمت
پیشنهادی در عرض یک ماه و اندکی گذشته، با آنکه ناشی از
مقاومت و مبارزه دهقانان بود، با اینحال هنوز نا عادلانه بوده
و بیوزن و بیگونی دهقانان فقیر و میانسال این مناطق
شده باشد.

مسئله قیمت نا عادلانه برنج علاوه بر اینکه برگزیده دهقانان
برنج کار شمالی ما سنگینی میکند، در عین حال بصورت مسال
رفتن قیمت آن در برابر برنجی که در همه اقالی ملکت
فتا را آورده و سنگینی میکند. ولی مسئله به همین جا ختم
نیافته و بلکه خود به بی ثباتی اقتصادی حکومت کنونی و بساز
شدن بیشتر دست سلف خزان و دلان محلی و استعمار بیشتر آنان
بر دهقانان می انجامد. برای درک بیشتر از اهمیت فوق
می بایستی به چند نکته اساسی توجه نمود:

۱ - زندگی اصلی توده مردم در مناطق زدن و گیلان بر سر
کشا و رزی تکیه دارد. در این میان کشت برنج، بیوزن در گیلان،
از اهمیت خاصی برخوردار است. بر طبق آمار کشا و رزی سال
۱۳۵۲ حدود ۷۵/۳٪ کل اراضی برنج کاری در ایران متعلق به
این دو استان است. در این میان از کل اراضی مزروعی
محصولات مختلف در گیلان، ۸۲/۹٪ آن به تولید برنج اختصاص
دارد. هر چند در مناطق مرکزی در زمینه کشت برنج
دیدنی بود ولی در مناطقی مانند نور، آمل و غیره کشت برنج
برجستگی خاصی دارد. تعداد دیهه برداران برنج در ایسن دو
استان حدود ۲۵۱/۵۵۷ نفر بوده که با جمعیت کشاورزی آن متجاوز
از ۱۲۵۰۰۰۰ نفر را در بر میگیرد. یعنی مسئله قیمت نا عادلانه
برنج از جانب حکومت خمینی برگزیده بیش از یک میلیون نفر
توده دهقانان در مناطق زدن و گیلان سنگینی میکند. به عبارت
دیگر رژیم خودکامه ولایت فقیه اگر بخواند خرید برنج را با قیمت
نازل فوق در اختیار خویش در آورده و مقاومت میلیونی برنج -
کاران مواجه خواهد گشت. مقاومتی که تا بحال چندین بار در
طول یک ماه و اندکی گذشته، رژیم را وادار به عقب نشینی نموده و

اورا مجبور به با لایردن نرخ قیمت برنج نموده است.
۲ - ولی حکومت خمینی دارای ابزارها و ارکان های
اقتصادی و حکومتی لازم برای به اجرا آوردن انحصار خویش بر
گرفته دهقانان برنج کار نمی باشد. دهقانان برنج کار، بطور
کلی، قرنهای گذشته که در اختیار سلف خزان و دلان محلی
من حیث المجموع از لحاظ تامین و اموال اعتبارات اقتصادی و
اجتماعی و همچنین خرید (و البته پیش خرید آن) برنج قرار
دارند. حکومت فعلی، با توجه به بنیه ضعیف اقتصادی اش و بسا
توجه به ماهیت ضد دهقانی و بیوزن و - فتو دالی اش، نتواند قادر
است که دهقانان را از زیویع استعمار بنیه فتو دالی و ما قبل
سرما به داری سرما به ربا شی - دلای بدر آورده و نه قادر است
احتیاجات کشا و رزی دهقانان را همانند سلف خزان و دلان
بر آورده کند. حرکت حکومت مستبد کنونی در انحصار نمودن
معاملات برنج جا بجای استعمار و دست سلف خزان و دلان محلی به
استعمار و مشا به از طرف دستگاه بیوزن و - فتو دالی حکومت
میباشد. آنچه در شرایطی که حکومت بنیه اقتصادی برای چنین
جاگزینی را من حیث المجموع ندارد. در نتیجه توسط به زور از
یک طرف و توسط به شیوع از طرف دیگر یعنی استبداد شعری حریف
اصلی حکومت در پیاده نمودن انحصار نمودن معاملات برنج
است. چنین حربه ای منجر به مقاومت وسیع و گسترده نموده برنج -
کاران شده، بر بی ثباتی اقتصادی و سیاسی رژیم افزوده و
بالاخره به با لایردن بی با بقاء قیمت برنج (همانطور که تا بحال
در عرض یک ماه و اندکی گذشته در بار قیمت برنج چندین تومان
افزایش یافته است) در مقیاس کشوری و فشار آن بر توده ملت
ایران خواهد بود. در چنین شرایطی دهقانان شمال علاوه بر
سنگینی استعمار و دست حکومت کنونی برگزیده خویش، استعمار
سلف خزان و دلان محلی را در برابر برزیده های کشا و رزی خویش
مانند اعتبارات و وامها ایضا در برابر بیشتر از گذشته اختلاس
خواهند نمود. در یک کلام چنانچه حکومت خمینی بتواند دست
ضد دهقانان خویش را بپایه کند با مقاومت و مبارزه دهقانان در
مناطق زدن و گیلان و رشد نا رضایتی عمومی در مقیاس کشوری مواجه
خواهد شد. اما بدلیل کد بر سر مردم پیا ده شدن این طرح فقط بسا
اعمال ترور و اختناق و با تکیه بر سر نیزه انجام خواهد گشت. و در
شرایطی که رژیم خمینی در موقعیت بی ثبات و تحت حمله قرار
دارد، برقراری این شرایط برای نا ممکن می نماید.

۳ - چنانچه حکومت خمینی نتواند در طرح فوق را پیاده
کند، استعمار و دست سلف خزان و دلان محلی، در شرایط شکست رژیم
خمینی در انحصار نمودن خرید برنج، همراه با به ابعاد
گسترده تری بردوش دهقانان سنگینی خواهد نمود. از لحاظ سیا
سی ماهیت رژیم ولایت فقیه که خواهان خلق بدست و استعمار
بنیه فتو دالی و ما قبل سرما به داری از گرفته دهقانان و رها شی
آنان نمیباشد، به خروج بیشتر و کما ملتری بر دهقانان برنج کار
شمالی، که کمتر درگیر جنبش دهقانان بر سر مسئله زمین و سر و
کله زدن با حکومت بر سر آن در چند سال اخیر بوده اند، روشن خواهد
گشت. از لحاظ اقتصادی با لایردن قیمت برنج در سراسر کشور و
عدم کنترل آن از جانب حکومت فشار بر توده اقالی ملت از لحاظ
هزینه زندگی بیشتر شده و خود به بی ثبات شدن رژیم کنونی کمک
خواهد کرد.

۴ - در هر دو حال، مسئله انحصاری نمودن خرید برنج و قیمت
نا عادلانه آن، هم به رشد مقاومت و نافرمانی و مبارزه در مقیاس
کشوری و با درصدها شمال خواهد انجامید.

سخنان مشکوک...

"منافین" (یعنی مجاهدین خالق) خوش نیا مدو آنه... (یعنی مجاهدین) شهید نسند که دیگر ظالمانی مشرک مسر نیست وینا بر این وی را از سر راه برده اشند!! البته گفتند که این از "اسرار" انقلاب است فقط "خدا بدان آگاه است" ولی ایقان هنوز "مشکوکند"، ولی دروغ نسوی "مشکوک" ما بسیار موکلار شریف دارند فقط مسئله را مشکوک تر کردند!!

شادروان ظالمانی در خطبه های آخرین خود در بیست زهرا بر سر مزار شهیدای انقلاب، بر روی دو مسئله تاکید داشتند، شهادت و شورا. و بیچین دلیل هم دور و بعد که در گذشتند، شاعر مردم یکبار چه این بود: "بیام ظالمانی، شهادت است و شورا". در آن خطبه ها شادروان ظالمانی لبه تیز حمله اش بر وی "آنها" می بود که از شورا تا دل خوشی ندا شنیدند و میخواستند آنها را منحل کنند، و آیت الله ظالمانی به آنها گفت "بروید بی کارتان بگذارید مردم خودشان کارها را درست بگیرند". و این کسان مطمئناً مجاهدین نبودند، "آنها" بودند که در شورا، انقلاب و دولت موقت را خوش کرده بودند و بر سر راه مردم سنگ می انداختند. در آن خطبه ها آیت الله ظالمانی به مردم گفت که "عهده ای" می - گویند حرفها بی را در ملا، نام نزنند و بیاید در گوشی در مجلس خسران گذاشتی به "آنیسا" بگوید، ولی آیت الله ظالمانی در مقابل "آنها" گفت که من با موکلین خودم در ملا، تمام صحبت میکنم، البته جنس با معاذیخواه دستنبره هستند که در

سخنان مشکوک موجود بود که بدون آنکه جناب ایقان خود متوجه اش باشند، خیلی چیزها را برداد.

ملت ایران که مسولاً شمه بیزی دارد، از همسان روزهای نخستین پس از مرگ آیت الله ظالمانی، آرام آرام زمزمه های ساز کرد، زمزمه های شیاریسیل اینکه مرگ ظالمانی مشکوک بوده است و... این زمزمه ها آرام آرام در شرفشار "استیدا" در بریده، دینی" کسه شادروان ظالمانی از آن صحت میکرد به فریب ده های رای "بهبختی، بهشتی، ظالمانی رونوشتی" بدل شد. ایچین مسئله در جامعه مطرح شده بود و درست یا نادرست - نمودار یک احساس قلبی مردم بود: بسک احساسی متفاوتا که ظالمانی و بهشتی را در مقابل یکدیگر قرار میدادند. یکی را به عنوان یک انسان آزاد بخواند و مردم - دوست و دیگری را به مثابه یک فرد شریر و مستوری رجان. کاربرد جانی کشید که ختمی آیت الله خمینی نیز می از مرگ بهشتی - فقط بین از مرگ بهشتی - ما این سردر فلان فساد اثار کرد و آنها را فقط بسک "تهدت" دانست.

ولی حجت الاسلام معاذیخواه در روز پنجشنبه با صلاح "آنی" رو کرد و خواست ورق را برگرداند، ولی بسیار افتحاح از آب در آمد. جناب ایقان با قیاسه حق بجای نمی گفتند که ایقان هم نسبت به مرگ ظالمانی "مشکوک" تشریف دارند. و از آن جهت "مشکوکند" که شادروان طمانی لسانی در آخرین خطبه های نماز جمعه در سالروزها جمعه ۱۷ شهریور، در سال ۱۳۵۸ مطمانی را گفتند که به سفاک

روشنی جمهوری اسلامی... بقیه از صفحه ۱۴۱
و از آنجا که تا کتبک نویین مجاهدین بشتر می رسد که میخواهد بدین مسئله پاسخگو باشد، بسیار مثبت است.

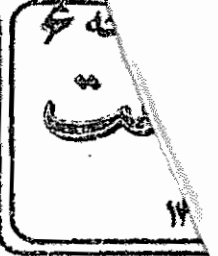
ولی با بد موضوع را دقیق تر مورد بررسی قرار داد. آیا تا کنونی که مجاهدین بر کزیده اند جا بگوی ایچین سوال میروم و شرایط امروزی انقلاب است یا نه؟ آیا ایچین تا کنون میتوانم مردم را بسوی خود جلب کند؟ بقیده ما ایچین تا کنون (یعنی ظواهرات غیبا جانی، مسلمانان) از تحقیق ایچین وظیفه عاجل و اساسی عاجز است، اشکال ایچین تا کنون در آنجا نیست است که اولاً بزوی مردم بر آکنده که در حالت منافعی برای او از مدین در نماز در آن موقعیت مشخص نیستند، بهر حال ایچین شایسته است که مردم تا کنون با یک نظر است مسلماً بهر و بهر و میفوشد، و فرصت تفکر برای پیوستن بدان را ندا رند و با املا بدین منظور است غیبا جانی، نماینده اند و به چنین ایچین اقدام مسلماً نشاندند که گوشه مدت است که هرگونه فرصتی را برای پیوستن مردم بدان عملاً سب میکند، تا ایچین تا کنون جبری قهرمانی از جاعه کار سیاسی نمیکند، تونده ای نا همگون از مردم را در مقابل یک کار انجام شده سبکدار و خیلی زود به تمام می رسد، وینا برای این اگر چه هوا داری بسیاری از مردم را جلب میکنند ولی موقعیتی برای پیوستن فعلاً آنها نمیدهد.

مردم فقط در دو مورد به یک نظر است و با بدیک عمل مشخص در شرایط کنونی می پیوندند، با بدین منظور مشخص از قبل در میان مردم تبلیغات سیاسی شده با شد و سازماندهی شده با شده است و ارد عمل مبارزاتی کردند، مردم با آگاهانه، و با یک شناخت روشن از اهداف و چگونگی مبارزه و ارد عمل کردند تا بهترین نتایج برای مبارزه بدست آید، و اینکار فقط با تبلیغات سیاسی رسا رنده می در بین مردم و اوقات و طبقات مشخص مردم امکان پذیر است، ایچین شکل عمومی و راه عمومی سازماندهی مبارزه توده ای مردم است و ولی در شرایط بحران انقلابی، در شرایطی که مردم ما به مبارزه هستند، در صورتیکه یک مبارزه جدی و مسلحانه که از بد او مبر خوردار باشد، نیز تا در به جلد مردم و گسترش آن و توده ای کردنی میباید شد، در صورتیکه توده ما شده باشد، در صورتیکه فرصت نما یا ندن خودیسه مردم، فرصت فکر کردن به مردم، فرصت آگاه ساختن مردم را بدهد، و غیر اینصورت نمیتوان مبارزه را توده ای کرد.

البتد ممکن است هدف مجاهدین از این تا کنون، شده ای کردن این ظواهرات نباشد، یعنی خود دوستان ما خدمت انتظار نداشته با شد که مردم به این ظواهرات پیوندند و فقط به برای نشان دادن قدرت مسلح به مردم این کار را مینمایند، یعنی از این ظواهرات ما بعنوان حربه؛ تبلیغاتی سود میجویند. در این صورت همه با بد گفت که اشکل در اوضاع کنونی ایچین نیست، اشکل ما منظور که کنیم آنست که چگونه این مردم "آساده" مبارزه را میتوان بشور فعال وارد منته ساخت.

مجلس خسران از مجاهدین به او غیبت پیوسته است که چه خبری نبوده، ولی از بهشتی ها و آیت ها و... خیلی فبرها بود، آیت الله ظالمانی در همان خطبه ها گفت که عهده ای میخواهند "استیدا" در بریده دین را در جاعه مستخرمانند، و مطمئناً این عهده مجاهدین نبودند و امروز هم آن پیشینی

به او غیبت پیوسته است که چه خبری نبوده، ولی از بهشتی ها و آیت ها و... خیلی فبرها بود، مجلس خسران گذاشتی به "آنیسا" بگوید، ولی آیت الله ظالمانی در مقابل "آنها" گفت که من با موکلین خودم در ملا، تمام صحبت میکنم، البته جنس با معاذیخواه دستنبره هستند که در مجلس خسران گذاشتی به "آنیسا" بگوید، ولی آیت الله ظالمانی در مقابل "آنها" گفت که من با موکلین خودم در ملا، تمام صحبت میکنم، البته جنس با معاذیخواه دستنبره هستند که در



بقیه از صفحه آخر

دیپلماسی ...

و شتیم که این سیاست در ذات خود تمایل به بر قدرت ها
نی وجه غربی حمل میکند و عاقبت دست در دست آنها
نذاشت، واقعیت این است که سرگوب نیروهای انقلابی
نی در کشور، ضدیت با دیکراسی و نفی حقوق مردم و با بحال
ن ابتدائی ترین آزادیها این رژیم را در ضدیت با تسوده
دم قرار داده و آنها که بقول خودشان حرم حکومت کردن را
زاران سال است که در دل پروراندند، برای رسیدن به مقصود
شناچار بر قدرت های جهانی تکیه خواهند کرد و دستاوردهای
استقلال طلبانه نهضت مردم را بر باد خواهند داد.



اما شاید زلحاح اهمیت موضوع و جایگاه در تحولات آینده
سیاست خارجی ایران مسئله سفر موسوی وزیر امور خارجه به
لیبی مهمترین مسئله قابل بحث در این مجموعه سفرها باشد.
البتة چنانکه پیداست این سفر که در آن نماینده ایران به
عنوان ناظر در کنفرانس جبهه پایداری شرکت کرده است بخودی
خود تحول مهمی را نشان نمیدهد و شرح مذاکرات طرابلس هم
حاکمی از اینست که نماینده ایران را در آن کنفرانس چندان
به بازی نگرفته اند و خلاصه اینکه در واقع این حرکت دیپلماتیک
هم فعلا بیش از آنکه ناشی از نقش فعال ایران در منطقه
خاور میانه و مسئله فلسطین و اعراب با رژیم صهیونیستی
اسرائیل باشد، متوجه کسب وجهه برای رژیم است که کسوس
رسوایی آن بخصوص در رابطه با برقراری مناسبات درزمینه
خرید اسلحه از اسرائیل در منطقه بعد از آمده است. در هفته های
گذشته مطبوعات و خبرگزاری های غربی اخبار مذاکره میان
هانی الحسن با رجوی و بنی صدر را مخابره کردند و حتی شایعاتی
مبنی بر تماس لیبی با مجاهدین منتشر شد. اینها همراه با
حیلاتی که در پاره ای روزنامه های داخلی (مثلا صبح آزادگان)
به سازمان آزادیبخش فلسطین صورت گرفت نشان دهنده تیسره
شدن روابط رژیم با نیروهای جبهه پایداری بود. در گذشته
نیروهای امل که از جمله به رژیم ایران متکی هستند با طرفداران
ران جبهه پایداری در جنوب لبنان نیز که قبل و بعد از کنفرانس
جبهه پایداری صورت گرفت شاهده دیگری بر همین مدعا است. بنابر
برای این عکس العمل غوری وزارت خارجه جمهوری اسلامی بمسورت
سفر موسوی بدجلسه جبهه پایداری را با دیدگاهی در جهت خنثی
کردن نتایج این جو بوجود آمده است.

اما بهر حال رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با مسئله
خاور میانه یعنی قضیه فلسطین یک سیاست اعلام شده دارد که بیاس
بیوق و کرنا و در هفته های متوالی آن را از بلندگوها جا رزده اند.
این سیاست که همان تشکیل جبهه اسلامی ضد صهیونیستی است
بنابر ادعای مقامات رژیم هنوز اساس برنامہ رژیم در رابطه
با اسرائیل کشورهای عربی و خلق فلسطین تشکیل میدهد و
موسوی چنین ادعا کرده است که در سفر لیبی هم قصد اولی این
سیاست و تلاش برای پیاپی کردن آن در میان نیروهای جبهه
پایداری بوده است.
سیاست جبهه اسلامی ضد صهیونیستی در درجه اول از آنجا

که با طرح اسلیم بعنوان محور ضدیت با صهیونیسم تدوین شده
است طرحی تفرقه افکنانه است. این اسلام کذا را قتل رانی نفی
هرگونه ملی گری و میهن پرستی است نمیتواند برای مسردم
فلسطین که برای نجات میهن اشغال شده شان مبارزه میکنند،
بیام آورده ای باشد. مردم عرب فلسطینی که از مسلمان و مسیحی
و حتی یهودی و از ما رکیست و ملی گرا و غیره همگی به عشق وطن
ورهای آن به بیگانه رینخواهند اندام روزا طرح شاعرانه ای مانند
جبهه اسلامی که طرا حاش در ایران حتی از برقراری وحدت در
میان مسلمین عاجزند استقبال نخواهند کرد و نقش آن را در روند
فبارزائی خود و این گرا و تفرقه افکنانه نخواهند شناخت. بنابر
این این طرح کذائی نه تنها محکوم به شکست در جلب توده های
مردم است بلکه در واقع وسیله ای برای مخدوش کردن مسوف و
بهم ریختن جبهه مدقاومت در برابر صهیونیسم شنا لگرمینا شد.
از این میانی که بگذریم جبهه اسلامی ضد صهیونیستی نیز
بعنوان مظهری از این رژیم مانند بسیاری دیگر از رژیم های
دیگر آن فقط ظاهری قد و او بر قدرت را دارا است، اما نکته
اینجا است که سیاست ضدیت با فرد و او بر قدرت در شرایطی که مقابله دو
ابرقدرت در سراسر جهان و بخصوص در منطقه خاور میانه و خلیج هر
روز شدت بیشتری میگیرد، تنها در صورتی توانائی و کارائی
خواهد داشت که بر توده های وسیع مردم متکی بوده و بزرگ سیاست
امیل و سنجیده انقلابی متکی باشد. واقعیت حرکت جمهوری
اسلامی خمینی در ایران نشان میدهد که این رژیم تا چه حد با این
چنین مقولاتی بیگانه است و چگونه تفرقه واپس گرا شسی و
استبداد را در جامعه ایران حاکم گردانیده است.

پس در رابطه با جبهه اسلامی هم گرا این نام برای این
طرح با بیگانه نشود. دستکم میتوان انتظار داشت که سیاست
حاکم بر این طرح بسوی اردو بندی با یکی از دو صف بنسبتی
ابرقدرت در منطقه متمایل شود. سیاست خارجی این جمهوری
یا در جهت همسویی با رژیم های جبهه پایداری و... سیر خواهد
کرد که در این صورت جبهه واحد اسلامی بخش "شرفی" را با بسند
با بیگانه کرد و با اینکه این سیاست به سوی اردوی عربستان و
غیره سیر خواهد کرد و بخش "شرفی" از شما رنه شرقی و نه غربی
جمهوری اسلامی اندک اندک حذف خواهد شد. و تا فرصت باقی
است هم نزدیکی با گروه های کوچک در عراق و افغانستان و
بعضی کشورهای خلیج همراه با جریاناتی از نوع امسبل و
اخوان المسلمین در حقیقت راه را برای تبدیل این رژیم به
وسیله ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف نهضت های منطقه همسوار
خواهد کرد.

فهم میخان مبارزه

برابر اشتراک حقیقت و دیگر نشانیات (تقریر کوشنهای ایران)
میتوانید با اندک جستجی ذیل تاثر حاصل نمائید:

P. O. Box 34641
L. A., Ca. 90034

آبونهان ماهانه حقیقت ۴/۵۰ دلار میباشد.

بقیه از صفحه آخر
روشن
جمهوری اسلامی

سپست چنان با وجود بی بخوبی قفسه را برای ملت روشن کرده اند :
"... به اینها اجازه نخواهیم داد که بوسیله تعدد ادی
قریب خورده غافل ، ناگهان اساس جمهوری اسلامی
ایران متزلزل شود."

و نکته برای این باید این را هم یادمان آید که "درس عبرت" برای کسی ؟
برای دیگران ، بجز ما بیایند ، ولی "درس عبرت" برای کسی ؟
اساس جمهوری اسلامی چگونه متزلزل شده است ؟

"درس عبرت" مطبوعاتی برای اعصاب و هواداران نیروهای
انقلابی ، از مجاهدین و کمونیستها و دیگران نیست . این "درس
عبرت" قبل از موج ایجادهای اخیر ، پیش از دهه ۵۰ نشر یافته
چرخه های ایجاد میگردید ، ولی با عبور آن شد که از موج
پایان دهه ۵۰ ، نیروهای انقلابی کاسه نود "درس عبرت" برای آن
عده میخواندند . "درس عبرت" نبود است ! "درس عبرت" قرار
است برای مردم باشد . برای مردمی که میراثان دیگر رویه نما می
گفته اند ، است و هر یک از آنها را هر چه قضا می کند ، اسباب و ارباب
خیا با آنها برآوردند و بیخوردند . اساس جمهوری اسلامی را بیست
مخاطب میخوانند ، آری "درس عبرت" برای همین است . این است که
روزی جمهوری اسلامی بی روح مدتی ، نتیجی است . رژیم
جمهوری اسلامی از نظرات خیا باشی اظهار سرس و وحشت کرده
است . نظرات خیا باشی که شکر میکند مردم به آنها حوا چندین روز
آنکه دیگر با نیروهای سیاسی مسلح متوجه روبرو نخواهد بود
بلکه با مردم عادی توجه و خیا باشی طرف میشود و آنچه کار
دیگر شما نموده یا به حساب کرده ، باید بگردن موج رسیم . اعدای
آخر در عین العمل به نظرات خیا باشی عجا عیب و نرس و
وحشت رژیم ولایت فقیه ! زکشتش و حده گیر شدن آن بر ادا نشد
است .

پس با دید مردم "درس عبرت" بدینها : اعدا میگردیدترین وجه
خلق آویز کردن به نظامت مارتترین حالت ، در همان خیا باشی و
بیخ نبوا را حکم بر آقا گذارند و ... این چنین است ترس و وحشت
"بین رژیم" یا "شیات" از مردم ، این چنین است از بیانی رژیم از
عوضت و احوال روحی مردم : آماده شد تا به خیا باشی آنها سر از زیر
شودند .

و این فقط خیا باشی برای سیاسی رژیم جمهوری اسلامی نیست ،
این از بیانی مردم وار شتند نیل از هر جز و ذریل از هر کسی با بد از
صرف نیروهای انقلابی مورد توجه قرار گرفته ، مردم آماده شد تا به
تصفیه حساب نهایی با این رژیم که به تمام آنها وا خستند
انقلاب خیا باشی روزی در است ، بیرون آمد ، سؤال اینها است که
چگونه این مردم را که در درونشان شور و شوق مبارزه میجوید ، که
انگشتان از قفسه و غربت ما لامل است و آتش نوشتان در دست
دارند ، همانا لایه ها ، در غم و حسرت میگذرانند ، نفس باکتیک تنها همسران
خیا باشی عطش میکند از طرف دوستان ، مانده خیا باشی از دردیسه
وردا چرا گشتند ، است ، بسیار بیست "شیات" یعنی توجده
است که ، انقلاب و سر نشانی رژیم فدی و اعدا برای رژیم اسلامی
باید شکر کند ، اما "درس عبرت" برای مردم صورت پذیرد ،
مردم محظوران و فانیون با وجودست ، در عقاب لیت شان خیا باشی و نظامی
مانند در این سطح ، و در دست شش برای جلب شده های سرور ،
به هم رسا و راستی در دست ، را هر چه از کوشش ، انقلاب
میباشد ، انقلاب که شورش را زده ، بود برای سر رسید رژیم خیا باشی
بیشتر ، به اینها و ترس در ارتش خیا باشی و در شورش خیا باشی
است که ، بدون مانده صورت پذیرد ، شما ، باور کنید که شکر
مردم از روی بگوشی درگیر کردن عداوت مردم در برابر
سرگشتی رژیم فدی و استغرابی و رژیم انقلابی است .

"... به اینها اجازه نخواهیم داد که بوسیله تعدد ادی
قریب خورده غافل ، ناگهان اساس جمهوری اسلامی
ایران متزلزل شود..." (الاجوردی)

"... به این عوامل مغرب و مفسد بگمان نهضمیم که
با بجه با زینها شی که ترا ، نمایانند از جمهوری اسلامی را
در مخاطره قرار میدهند..." (الاجوردی)

"... کشتن به شمشیر و تیغ و حلق آویز کردن بیست
فماحت با مردمین ، خا لیت و شکران را ست و بیست
چپ آنها مرید شود" (محمدی گیلانی)

"اسلام اجازه میدهد که اینها را که در دنیا با نظامت
مسلحانه نمیکند ، شکران و زکشت را در دنیا و عا نجا
آنها را گلوله بزنند" (محمدی گیلانی)

"اسلام اجازه نمیدهد که بتدن ، خروج اینگونه انسانرا
ما شی (یا شیات) و "غ" نه میماند ستان برده شود بلکه
با بدشا مکشته شوند" (محمدی گیلانی)

این است اسلام و این چنین است قانون اساسی رژیم جمهوری
اسلامی که سیاسی را با شیات فینا شد ، این رژیم "یا شیات" فقط با
کشتن چندین ده نفر در روز و شوا مد به بقای خود ادا میدهد ، این
رژیم "یا شیات" است که با شیات خیا باشی پیدا میکند و

"تاریخ خورده" (بقول میروی تبریزی ۲۵ - ۲۰ نفر) "ناگهان"
از اساس متزلزل میشود و برای جلوگیری از آن میباید ۲۵۰-۲۰۰
شور و با بجه به سرحد های اعدا میباید رفت ، این رژیم فدی را از
"اسلام" بر خورده است و "بزرگ" است که از شورش بجه
با ریسی" یک چند عده "عوامل مغرب و مفسد" در مخاطره قرار
مگذارند بر این اساس اسلامی و عا و میکنند و در گوشه خیا باشی
مردم را به دیوار می چسباند و اعدا میباید دو مجروحین را شکر

"سام کش" میباشد ، این رژیم فدی از بیست بیانی عمومی
سرخورد است که چند عده مغرب و مفسد و سر برد خورده را بر
انفیدترین وجه "اعدا میکند ، به فضاحت با شورش" حال است
حالی آویز شده و اعدا آنها هم میگذرد دست راست و پای چپ

آنها را میبرد ، تا برای "دیگران" (یعنی برای مردم) "درس
عبرت" شود ، اینست قوانین اسلام و استین و اینست قوانین
ایران رژیم خورده گران ولایت فدی ، تا کم برای این رژیم که
برندل و کشتن و اعدا میباید شورش ترین و فضاحت با شورش شکر

ان اعدا شراف خودشان برای بیانی چند روزه شکر است ،
و اینها "یا شیات شور و" و "بزرگترین" و "بزرگترین" است
باید ، اعمال این عده مغرب و مفسد را با اعدا میباید و کشتن

متزلزل ، با نداد زکشت در شورش میباید ، دیگر جزای بیست ترین
و دیگر بیانی برای دیدن برای اعدا را خود شکر شکران را
با ندادت شکران قا حار در شورش کوشان ، عدا و زکشت را در سر
ما و عا حت بیست خای برآوردند که ما میباید را جلب کردت شکران

سرور میباید ، انسان را بسیار شکران شکران شکران شکران
با ندادت شکران شکران شکران شکران شکران شکران شکران
مردم شکران شکران شکران شکران شکران شکران شکران
با ندادت شکران شکران شکران شکران شکران شکران شکران

دولت های مارت و حکومت کرده ، رژیم قرون وسطی بر دنیاست

روش جمهوری اسلامی:

اعدام و حشيانه، قتل و گشتار سبانه

رفتند و "قانون اساسی" رژیم جمهوری اسلامی را - نه آن "قانون اساسی" روی کاغذها مثال حزب توده و اکثریتی ها و حتی هسا برای پیش سنگ به پیشه میزنند، بلکه آن "قانون اساسی" که در عمل پها ده میشود، برای مردم توفیج دادند، به گوشه ها شمس از آن توجه کنید:

"... اگر اینها را دستگیر کردند (یعنی نظام هر کشتار کان درخیا بان) دیگر مصطل نخواهند شد کم چند بیسن ما به بخورد و بخوا بشود بیت المال صرف کنند... اینها محاکمه شان توی خیا بان است." (موسوی شبریزی)

"... یکی از احکام جمهوری اسلامی اینست که هر کس در برابر این نظام و امام عادل مسلمین با برکت کشتن او واجب است... اسیرش را با بیگانهت و زخمی اش را زخمی ترکرد که گشته شود" (موسوی شبریزی)

"اگر کسی پاسداری را مورد هدف بگیرد فرار داد و قهر سرنگونی جمهوری اسلامی را داد و دیگر آراء باز - گشتی برای او باقی نیست جز اینکه آندام شمس و درس عبوسش برای دیگران باشد" (لاجوردی)

بقیه در صفحه ۷

دستگاه قتل و گشتار رژیم جمهوری اسلامی بی وقفه مشغول بود که راست و چپان شده تها استراحتی نیز به خود روا نمی دارند، بلکه "کار آبی"!! این دستگاه خونریزی را نیز افزوده است... رژیم جمهوری اسلامی در هفته گذشته، تنها در عرض ۳ روز نزدیک به ۳۰۰ تن را به جوخه های اعدام سپرد. اینچنین است تنها راهی که رژیم جمهوری اسلامی برای بقای خود بدان متوسل شده - پسا تها راهی که مقابل پایشان با زمانده است. این رژیمی که به قول امام موسوی "با شیات ترین" کشور دنیا است!! فقط بروی شمشیر خون و اعدام تکیه کرده است، این رژیمی که به قول فرما نده سپاه پاسداران جناب رفائی "بزرگترین" کشور دنیا است!! (این اقرا دتهی مغزگویا مالمبولیا گرفته اند و مدانی پیش با افتاده ترین لغات زبان فارسی را نیز از بساده برده اند) شیات و بزرگی اش فعلا در مغز گلوله های جوخه های اعدامش شناسی گردیده اند.

سران دستگاه قتل و گشتار این رژیم خیلی خیلی "با شیات" یعنی دادستان کل نهاد انقلاب موسوی شبریزی و حاکم شمسیر و دادستان تهران معتمدی کیلانی و لاجوردی، در هفته گذشته برای اثبات شیات این رژیم پشت بلندگویی را دیو و تلویزیون

دیپلماتی اسلامی برای تمکیم

موقوفیت در داخل

در هفته های گذشته مقامات رژیم سخرهای چندی به کشورهای مختلف داشتند و بتول خودشان گویدند تا توطئه، انزوی ایران را در هم شکنند. اینکه تا چندی پیش انزوا برای جمهوری اسلامی فضیلتی شمرده می شد و دفاع از انزوا یک موضع خدلیبرالسمی و فدا میریالیستی و االقائ می نمود و اینک که آقایان قسدرت را فبفه کرده اند تا کمان بینگردد آن انزوا و برقراری روابط با شرق و غرب افتاده اند خود حکایت از حکومت ریاکارانه ای است که بر ملت ما تحمیل شده است، و از این تناقضات در چند زمینه ها در گذشته بسیار بوده است و از این پس هم بیشتر خواهد شد. ولی در این مجموعه سخرها دیدارها شمی و نسجانی از کرده شمالی و مالزی سخرهای به آلمان شرقی و یوگوسلاوی و شرکت موسوی در کنفرانس حبهه پایداری در لیبی و شرکت شرکت ایرانی به سرپرستی دعاشی به کنفرانس بین السیالی در کوبا را میتوان ذکر نمود. مطابق جدول سران رژیم در با زکات از این سخرها بسا شیات خوشوقتی از موفقیت های بزرگ و مصوبیت شدید سران رژیم ایران در کنفرانسهای مختلف سخن گفتند. مثلا آقای خامنه ای در سخنانشی خیر و در کوبا در آن شردستان و درهای حکومت و لایسیت نقد در ایران! در کوره شمالی تجدید نظر در ما رگیمم آغاز شده است و سلطان نظریه ما رگس را در مورد مذهب پذیرفته اند! دیگران نیز در همین باب سخن ناگفته اند.

اما برای ما مردم، اینکه حکا م سبم پیشه بگوشند تا از بسزار روابط دیپلماتیک برای توجیه سیاست های خودشان سودجویند مسئله تازه ای نیست هنوز تبلیغات محمدرضا ی پهلوی را در ارتباط با سخرهای نزدیکانش بدچین و کوره شمالی و به مسکو و غیره فراموش نکرده ایم و بخوبی بخاطر برداریم که این او آخرتایع کرده بودند که آن شاه به سران قدرت های بزرگ زمانه از غرب و شرق دستور کشورداری می آموخت و سیاست بازان جهان را راه - شمائی میگردد! امروز هم حکومت ایران که در بکارگیری سرور و وحشت و اتحادیست سرکوب و قتل و مرمنشی را در نا خان با را می - برپا میدارند بین زمینه نیز سلاح جهنه رفنا خان و پسرش را برداشته است و میگوید تا با استفاده از آن برای ما هیت مرتجعان شمس اش توجیه منرقبانه بنوا شد.

به عبارت دیگر، جنبه عمده ای که مقامات رژیم را به انسن سخرها فرستاده است مسئله گرفتاریهای داخلی است. رژیمی که هر روز تا مدانه ا قضا د مملکت را فدای قشری گری و قدرت پرستی در با ر خلافت جدید میکند و در عرصه سیاست هم یکی از وحشیانه ترین حکومت های استبدادی تاریخ معا م را به جلوه در آورده است، در مقابل مردمی که هر روز با نفرت بیشتری از آن دوری میجویند روابط دیپلماتیک را بعنوان حربه ای تبلیغاتی مینگارند و میگویند تا بتوا نشیات و قدرت خود را تدا می کنند.

از سوی دیگر آنچه در این سخرها جلب توجه میکند شمس نزدیکی با جریانات مرتبط با دست بردن شماییل به شمسوروی در حبهه دیپلماتی بین السیالی است. ما از مدتها پیش در تحطیل از حزب جمهوری اسلامی و سیاست این حزب که اینک به لطف حمایت بی دریغ آیت الله خمینی به سیاست حاکم بر رژیم ایران تبدیل شده در حبهه